

پنج نکته در توحید از منظر امام رضا علیه السلام - اسماعیل تاج‌بخش

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۱ - ۱۴۰

پنج نکته در توحید از منظر امام رضا علیه السلام

اسماعیل تاج‌بخش*

چکیده: توحید بنیادی‌ترین پایه اصول اعتقادی اسلام است. امام رضا علیه السلام پنج اصل را در توحید بیان

کرده‌اند که در این گفتار، به این اصول، همراه با برخی از اندیشه‌ها به صورت تطبیقی بیان می‌شود:

- نفی تشبیه: در حالی که در برخی منابع عرفانی با استناد به حدیث صورت، انسان را مظهر تجلی صفات و اسماء خداوند شمرده‌اند.

- عینیت ذات و صفات: اشاعره معتقد به قدیم بودن و زاید بودن صفات بر ذات هستند و معتزله صفات را عین ذات خدا بر شمرده‌اند.

- تفاوت اراده خالق و مخلوق: اراده مخلوق نیت درونی است که منشأ بروز فعل می‌شود، اما اراده خداوند همان فعل خدا است و کیفیت ندارد.

- رابطه خالق و مخلوق: در نظام علّی و معلولی سنخیت مطرح می‌شود در حالی که مбайنت ذاتی در رابطه خالق و مخلوق وجود دارد.

- نفی وحدت عددی: وحدت خداوند، بی‌مانندی و نفی هر گونه ترکیب از ذات اوست.

کلیدواژه‌ها: توحید / نفی تشبیه / حدیث صورت / صفت ذات / اراده خدا / سنخیت / علّیت / مбайنت / وحدت عددی.

درباره توحید - که نخستین و بنیادی‌ترین پایه اعتقادی اسلام است - کتابها و مقالات زیادی نوشته شده است؛ ما قصد نداریم در این مقاله آنها را تکرار یا تلخیص کنیم، بلکه پنج نکته مهم را در توضیح و توجیه توحید از سخنان امام هشتم علیه السلام برگزیده و تحلیل و بررسی آنها را با ترجمه و گزارش عرضه کرده‌ایم.

۱. نفی خداگونه‌ی آدمی

حدیث معروفی به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ». (الجامع الصغير: ج ۲/۴)

این حدیث در پاره‌ای از منابع عرفانی ادب فارسی نیز بازتاب یافته است، مولوی می‌گوید:

خلق ما بر صورت خود کرد حق وصف ما از وصف او گیرد سبق
(مثنوی معنوی ج ۴/بیت ۱۱۹۴)

بیشترین مفسران مثنوی نیز آن را همین‌گونه فهمیده و توجیه کرده‌اند. مثلاً دکتر زرین کوب می‌گوید:

... کلام مولانا تعبیری است از محتوای مضمون یک حدیث نبوی که نزد صوفیه غالباً بدان اشاره می‌شود و به موجب آن، خداوند آدم را بر صورت خویش خلق کرد... این قول ... در نزد مولانا مستند این حکم است که صفات ما نیز از صفات و اوصاف حق ناشی، و البته خلافت الهی انسان و این که انسان مظهر و مرآت تجلی اوصاف حق هم هست، به احتمال قوی می‌بایست در نزد وی ناشی از همین معنی بوده باشد... (سرتی: ۶۰۹)

در مصراع دوم مولانا حدیث را این گونه تفسیر می‌کند: اوصاف ما تجلی اوصاف حق است، و هر صفتی که ما داریم، از صفات حق درس می‌گیرد.... و او به ما تلقین یا عنایت می‌کند. (مثنوی معنوی ج ۴/ص ۲۵۶)

خلاصه سخن این است که عرفا - که جهان‌بینی‌شان بر مبنای «تجلی» است و همه هستی را مظاهر و مریای جمال حق می‌دانند- به این حدیث استناد می‌کنند و می‌گویند: «صورت» در این جا به معنای چهره نیست، زیرا خداوند از این معانی منزّه است؛ بلکه صورت این جا به معنی تجلیات اسماء و صفات الهی است؛ یعنی انسان تنها موجودی است که مظهر همه اسماء و صفات خداوند است. در حالی که در حدیثی از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم:

«من شبه الله تعالى بخلقه فهو مشرک و من نسب اليه ما نهى عنه فهو کافر» (التوحید: ۶۹ و ۷۶ و ۸۰ حدیث ۲۵ و ۳۱ و ۳۵؛ عیون اخبار الامام الرضا: ۱۰۵/۲؛ بحار الانوار: ۲۹۴/۳ و ۲۹۹ حدیث ۱۶ و ۲۸، همان ۱۴۰/۴ حدیث ۶ و ۷۵/۳۵۶ حدیث ۱۰۶؛ کشف الغمّه: ۷۸/۳؛ الاحتجاج: ۱۹۲/۲، روضه الواعظین: ۳۶)

در این حدیث، امام علیه السلام به صراحت چنین اعتقاد و اندیشه‌ای را باطل و مردود و باورمند آن را کافر می‌شمارد. در فرمایشی دیگر به سرچشمه و خاستگاه این برداشت نادرست اشاره فرموده است؛ حسین ابن خالد به امام رضا علیه السلام می‌گوید: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ... [برخی از] مردم باور دارند که خداوند آنان را بر صورت خویش آفریده است و آن را به روایتی از رسول خدا مستند کرده‌اند. امام در پاسخ او فرمود: خدا آنان را بکشد؛ اینان بخش نخست حدیث را حذف کرده [و از یاد برده]‌اند؛ [روزی] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از کنار دو مرد می‌گذشت که همدیگر را دشنام می‌دادند؛ حضرتش شنید که یکی از آنها به دوستش گفت: خدا رویت را زشت گرداند و روی هر کس [دیگری] را که همانند توست. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به او گفت: ای بنده خدا به برادرت چنین مگو، زیرا خداوند بزرگ، آدم علیه السلام را بر صورت او (= همانند او) آفریده است. در حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او خاطر نشان کرد که چنین جمله‌ای توهین به حضرت آدم علیه السلام محسوب می‌شود و مرجع ضمیر در «صورت» مردی است که مخاطب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده و

به برادر دینی‌اش دشنام می‌داده، نه ذات اقدس اله. امام در ادامه سخنش به حدیث قدسی دیگری در این زمینه اشاره می‌کند: «ما عرفنی من شِبهنی بخلقی»، (التوحید: ۶۸ حدیث ۲۳؛ الامالی: ۵۵ حدیث ۱۰؛ عیون اخبار الامام الرضا: ۱۰۷/۲ حدیث ۴، الاحتجاج: ۱۹۲/۲؛ بحار الانوار: ۲۹۱/۳ حدیث ۹ و: ۱۰۷/۸۹ حدیث ۱؛ کشف الغمّه: ۷۸/۳)

در ادامه این بحث باید افزود که علامه مجلسی در بحار الانوار - ج ۱۱: ۱۲۱ و ج ۵۴: ۱۰۳ - این حدیث را از سید بن طاووس به گونه‌ای دیگر آورده است، که در آن ضمیر «ه» به «الله» باز می‌گردد نه به آدم. در اصول کافی - ج ۱ باب ۲۱ حدیث ۴ - از امام باقر (ع) نقل شده است که خداوند صورت آدم را آفرید و آن را به خودش نسبت داد، چنان که «روح» و «بیت» (= خانه کعبه) را نیز به خود نسبت کرد، با آن که این نسبت‌ها هرگز تشبّه میان خداوند متعال با روح و کعبه را نمی‌رساند.

۲. عینیت ذات و صفات حق تعالی

آیا صفات حق تعالی حقیقی و عین ذات مقدس اوست یا مغایر با آن؟ این مسئله، معرکه آراء متکلمان بوده است. اشاعره ادعا می‌کنند که صفات خداوند متعال قدیم و زاید بر ذات اوست و او به علمی که مغایر و زاید بر ذات اوست عالم، و مرید به اراده، و حیّ به حیات است؛ یعنی به چیزی زاید بر ذات خود که مقتضی ثبوت این اوصاف برای اوست. (شیعه در برابر معتزله: ۲۳۳) در برابر اینان معتزله و شیعه معتقدند که صفات مذکور عین ذات اقدس اویند؛ یعنی غیر از ذات او چیزی که به آن علم، قدرت، سمع، بصر، حیات و ... گفته شود، وجود ندارد.

حسین ابن خالد می‌گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که فرمود: «لم یزل الله عالماً قادراً حياً قديماً سمیعاً بصیراً» گفتم: ای پسر رسول خدا، گروهی می‌گویند: «لم یزل الله عالماً بعلم و قادراً بقدرة و حياً بحياة و قديماً بقدم و سمیعاً بسمع و بصیراً ببصر»

امام فرمود: هرکس چنین بگوید و به آن تسلیم (= معتقد) شود، همراه خدا، خدایان دیگری گرفته است و از ولایت ما بهره‌ای ندارد. سپس فرمود: «لم یزل الله علیماً قادراً حياً قديماً سَمِيعاً بَصِيراً لَذَاتِهِ، تَعَالَى اللهُ عَمَّا يَقُولُونَ الْمُشْرِكُونَ وَ الْمُشْبِهُونَ علوّاً کَبِيراً» (التوحید: ۱۴۰ حدیث ۳، عیون اخبار الرضا: ۱۰۹/۲ حدیث ۱۰، روضه الواعظین: ۳۷، بحار الانوار: ۶۲/۴ حدیث ۱)

از سخن امام علیه السلام به دست می‌آید که اگر این صفت‌ها مغایرت واقعی با ذات اقدس الله داشته و عین ذات خدای متعال نباشند، در ازلیت (= همیشگی) و قدم (= دیرینگی) شریک او خواهند بود؛ و چنین اندیشه‌ای با عقیده توحید هیچ‌گونه سازگاری ندارد. در حدیث دیگری که از آن حضرت آمده است، محمد بن عرفة از ایشان می‌پرسد: خلق الله الاشياء بالقدرة ام بغير القدرة؟

امام در پاسخ او می‌فرماید: روا نیست که خداوند اشیا را به وسیله قدرت بیافریند؛ زیرا وقتی چنین می‌گویی، انگار چیزی جز ذات خداوند - و مغایر با آن - را ابزار خلقت او می‌پنداری، و چنین باوری شرک است، زیرا خداوند متعال در آفرینش اشیا ناتوان و ضعیف و نیازمند چیزی نیست. او ذاتاً - و به حقیقت - قادر است [و قدرت از ذات او جدا نیست] نه اینکه به کمک قدرت، اشیا را خلق کرده باشد. (التوحید: ۱۳۰ حدیث ۱۲؛ عیون اخبار الرضا: ۱۰۸/۲ حدیث ۷؛ بحار الانوار: ۱۳۶/۴ حدیث ۳)

۳. تفاوت اراده خالق و مخلوق

صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام پرسید: مرا از [تفاوت] اراده خداوند و مخلوق آگاه گردان.

امام علیه السلام فرمود:

الإرادة من المخلوق الضمير، و مَا يَبْدُو لَهُ يُعَدُّ ذَلِكَ مِنَ الْفِعْلِ، و أَمَّا مِنَ اللَّهِ فَإِرَادَتُهُ إِحْدَاثُهُ لَا غَيْرَ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ لَا يَبْرُؤُ وَلَا يَهْمُ وَلَا يَتَفَكَّرُ، وَ هَذِهِ الصِّفَاتُ مَنفِيَةٌ عَنْهُ، وَ هِيَ مِنْ صِفَاتِ

الْخُلُق، فَإِرَادَةُ اللَّهِ هِيَ الْفِعْلُ لَا غَيْرَ ذَلِكَ يَقُولُ «كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۳) بِالْأَلْفِظِ وَ لَا نَطْقَ بِلِسَانٍ، وَ لَا هَمَّةَ وَ لَا تَفَكَّرَ وَ لَا كَيْفَ كَذَلِكَ كَمَا أَنَّهُ بِلَا كَيْفٍ.

اراده مخلوق، همان ذهن و ضمیر او و یک نیت درونی است که منشأ بروز فعل می‌شود؛ اما اراده خداوند جز ایجاد و آفریدن او چیزی نیست؛ زیرا ذات اقدس او [پیش از خلقت اشیاء مانند مخلوقات] اندیشه و قصد و تصمیم ندارد، و این‌گونه صفت‌ها راهی به ساحت منزّه او ندارند؛ زیرا اینها صفات مخلوقاتند؛ اراده خداوند همان فقط فعل [وایجاد] اوست، و نه چیزی دیگر. او می‌فرماید: کن فیکون. و [این ایجاد] به کمک لفظ و سخن زبان و قصد و اندیشه نیست؛ و کیفیت ندارد، یعنی بلاکیف است (= هیچ کیفیتی برای آن وجود ندارد و نباید به کیفیت اراده خدا بیندیشیم).

امام علی (ع) در جای دیگری نیز - در مناظره سلیمان مروزی- متکلم بزرگ خراسان که مأمون عباسی نیز حضور دارد؛ و امام علی (ع) او را با دلایل متقن مجاب و محکوم و مبهور می‌کند- ازلیت اراده خداوند را ابطال و حدوث آن را با برهان‌های استوار اثبات و شبهات و اشکالات وارد را رد می‌کند. این بحث مبسوط در توحید صدوق آمده است.

۴. رابطه خالق و مخلوقات

پیروان عرفان‌های بشری رابطه خدا و خلق را عینیت می‌دانند و جهان را جلوه‌ای از جمال شاهد ازلی و فروغی از خورشید جمال خداوند:

عاشق جلوه خود بود و جهان آینه ساخت و اندر آینه یک چند ز رخ پرده گشود
دانی او کیست؟ همان شاهد حسن ازلی ای بسا عبد که چون من نشناسد معبود

اصحاب فلسفه، این رابطه را سنخیت می‌دانند، زیرا در اعتقاد آنان این جهان معلولی است که از علت اولی در سلسله مراتب طولی صادر شده است.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«خلق الله الخلق حجاب بينه وبينهم و مباینته اياهم مفارقه انيتهم». (التوحيد: ۳۵، حدیث ۲)
«انیت» به معنی حقیقت شیء است امام علیه السلام با بیان این حدیث مباینیت ذاتی خالق و مخلوق را به روشنی بیان می‌کند و تأکید دارد که آن دو در ذات و حقیقت هیچ‌گونه سنخیت و مشابهت و اشتراکی ندارند. آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید:
«فكلّ ما فی الخلق لا یوجد فی خالقه و کلّ ما یمکن فیہ یمتنع من صانعه». (همان: ۴۰، حدیث ۲۶)

یکی از دانشمندان معاصر می‌گوید:

...اگر میان خالق و مخلوق، سنخیت و اشتراک در حقیقت باشد، تعبیر «کلّ» در روایت بی‌معنا خواهد بود. پس این حدیث هم به خوبی دلالت دارد که هیچ سنخیتی میان خالق و خلق در کار نیست. (توحید از نگاه وحی، فلسفه و عرفان: ۵۹)
حضرت رضا علیه السلام بارها براین نکته مهم تأکید داشته است و در جای دیگر ضمن نقل خطبه‌ای از امیر مؤمنان علیه السلام تصریح دارد که؛
... ما سوی الله - اعم از مخلوقات نوری، موجودات عالی و سافل و ... - در صفات با او مباین هستند و خداوند متعال به موجودات متغیر و حادث که امکان تصرف در آنها هست، درک نمی‌شود. (همان: ۶۱)

و نیز در نامه‌ای به فتح بن یزید جرجانی در پاسخ پرسش او می‌نویسد:
... فالحجاب بینہ و بین خلقه لامتناعہ ممّا یمکن فی ذواتهم، و لامکان ذواتهم ممّا یمتنع منه ذاته و لافتراق الصانع و المصنوع و الربّ و المربوب و الحادّ و المحدود... (التوحید: ۵۶، حدیث ۱۴)

سرانجام به صراحت می‌فرماید:

کنهه تفریق بینہ و بین خلقه (همان: ۳۶، حدیث ۲)

۵. خداوند یگانه، واحد عددی نیست

یکی از مطالبی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام سخت مردود و باطل شناخته شده، وحدت عددی آفریدگار است. حضرت علی علیه السلام در پاسخ شخصی که در جنگ جمل از وحدت خواند سؤال کرد، به صراحت فرمود:

... فقول القائل: واحدٌ - يقصد به باب الاعداد - فهذا ما لا يجوز، لأنَّ ما لاثنائي له لا يدخل في باب الاعداد... (التوحيد: [مترجم]: ۹۰ حدیث ۳).

که در نهج البلاغه - خطبه‌های ۱۸۰ و ۱۴۸ نیز آمده است:

«واحدٌ لا بعدد» و «الاحد بلا تأویل عدد».

و نیز در جای دیگر فرمود:

«واحدٌ لا من عدد». (التوحيد: ۷۰ حدیث ۲۶)

علت این امر آن است که در وحدت عددی دومی برایش متصور است هرچند در خارج تحقق نداشته باشد، مانند این که بگوییم: خورشید در آسمان یکی است.

مولوی با این که - مانند سایر معتقدان عرفان‌های بشری - وحدت وجودی است، اما به این نکته نیک واقف بوده و در ردّ وحدت عددی خداوند در مثنوی با تمثیل زیبایی بیان کرده و مردود دانسته است:

شمس در خارج اگرچه هست فرد می‌توان هم، مثل او تصویر کرد

شمس جان کو خارج آمد از اثر نبودش در ذهن و در خارج نظیر

(مثنوی معنوی: ۱/ ابیات ۱۲۱-۱۲۰)

اما منظور از وحدت خداوند سبحانه بی‌مانندی و نفی هرگونه ترکیب از ذات اوست

و این نکته از سخن صریح امام متقیان علیهم السلام در رساله توحید به دست می‌آید:

... هو واحدٌ [ای] لیس له فی الاشياء شبه ... و احدی المعنی یعنی به آنه لا ینقسم

فی وجود و لا عقل و لا وهم... (التوحيد: ۸۳ حدیث ۳)

حضرت رضا عليه السلام نیز در همان نامه فتح بن یزید به صراحت می‌فرماید: احدٌ لا بتأویل عدد (همان: ۵۳ حدیث ۱۴)؛ یعنی ذات اقدس اله یگانه است نه به معنی وحدت عددی.

منابع

- الاحتجاج (۱۴۲۲ق): طبرسی احمد بن علی؛ تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمد هادی؛ قم: انتشارات اسوه.
- أصول الكافي لمحمد بن يعقوب الكليني الرازي (۱۳۸۹ هـ): تحقيق: علي أكبر الغفاري، طبعة دار الكتب الإسلامية - طهران.
- /مالي الصدوق (۱۴۰۰ هـ): لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ)، طبعة دار الفكر العربي ۱۲۵۴ هـ، و طبعة مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الخامسة.
- بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (۱۴۱۲ هـ): للعلامة محمد باقر بن محمد تقی المجلسی (ت ۱۱۱۰ هـ - ق)، تحقيق و نشر: دار إحياء التراث، الطبعة الأولى - بيروت و طبعة مؤسسة الوفاء بيروت ۱۴۰۰ هـ و الطبعة الرابعة - بيروت ۱۴۰۵ هـ.
- /التوحيد (۱۳۵۶ش): شيخ صدوق؛ قم، جامعة مدرسين.
- /التوحيد (۱۳۸۴ش): شيخ صدوق - برگردان: محمد علی سلطانی - ارمغان طوبی، تهران.
- توحيد از نگاه وحی، فلسفه عرفان (۱۳۹۱ش): سيد جعفر سيدان، قم، دليل ما.
- الجامع الصغير من حديث البشير النذير (۱۳۹۹ق): جلال الدين عبدالرحمن سيوطي قاهرة.
- روضة الواعظين (۱۴۰۶ هـ): لمحمد بن الحسن بن علي الفتال النيشابوري، (۵۰۸ هـ ق)، طبعة بيروت ۱۴۰۲ هـ و طبع مؤسسة الأعلمي بيروت الطبعة الأولى.
- سرنی (۱۳۶۳): عبدالحسين زرین کوب، تهران، علمی

- شیعه در برابر معتزله و اشاعره (۱۳۸۸ش): هاشم معروف الحسنى - ترجمه سيد محمد صادق عارف - مشهد، بنياد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- عیون أخبار الرضا عليه السلام: لأبي جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱هـ)، منشورات المكتبة الحيدرية، النجف الأشرف

- كشف الغمة في معرفة الأئمة، لعلی بن عیسی الاربلی (ت ۶۸۷هـ): تصحيح هاشم الرسولی المحلاتی، دار الكتاب الإسلامی، بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۱ هـ و طبعة تبریز بدون تاریخ.

- مثنوی (۱۳۶۹ش): جلال الدین بلخی - دکتر محمد استعلامی - تهران، زوار.

- المیزان فی تفسیر القرآن (۱۳۹۷هـ): لمحمد حسین الطباطبائي، دار الكتب الإسلامية، طهران، الطبعة الثالثة.